

بازخوانی متون سنگ قبرهای مصلای فال

مصطفی ابراهیمی

چکیده

قبرستان تاریخی مصلی واقع در روستای فال، میراثی باقی مانده از قرن هشتم هجری است. این محوطه وسیع، از مهم ترین مکان های تاریخی موجود در منطقه گله دار و اسیر (شهرستان مهر در جنوب فارس) است. شمار سنگ قبرهای این قبرستان بسیار و بیشتر به شکل مکعب مستطیل است و در اندازه های متفاوت ساخته شده و دارای نقوش و حجاری های زیبایی هستند. متون موجود بر روی آن ها شامل آیات قرآنی، ادعیه، اشعار فارسی، اسم و القاب شخص در گذشته، سال وفات او و نام استاد سنگ تراش می باشد. از آن جا که آگاهی های تاریخی زیادی در منابع راجع به فال و مناطق پیرامونی آن در قرن هشتم وجود ندارد؛ چنین مکانی اهمیتی دوچندان می یابد. بازخوانی متون سنگ قبرهای این مکان گامی در جهت مطالعه مفصل و عمیق فال، منطقه گله دار و اسیر و بخشی از جنوب فارس در قرن هشتم هجری است.

کلمات کلیدی: سنگ قبر منطقه گله دار و اسیر فارس، فال، قبرستان مصلای فال.

مقدمه

تاریخ و اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری از شهرها و روستاهای ایران در سده های پیشین چندان روشن نیست و آگاهی قابل توجهی درباره آن ها در منابع دست اول نمی توان یافت. بنابراین باید در جست و جوی منابع دیگری جهت گردآوری اخبار و آگاهی درباره تاریخ آن ها برآمد. اسناد، نامه ها و کتیبه ها می توانند مکمل آگاهی های اندک کتب در آشنایی با گذشته یک مکان و یاری گر پژوهشگران در انجام تحقیقات شان باشند. علاوه بر موارد ذکر شده در برخی از شهرها و روستاها قبرستان هایی از روزگاران

گذشته به جا مانده با سنگ قبرهایی که حامل گنجینه ارزشمندی از اطلاعات و آگاهی‌ها هستند. مراجعه به این قبرستان‌ها و بازخوانی متون سنگی موجود در آن‌ها آگاهی‌های گرانبهایی را در اختیار پژوهش‌گران می‌گذارد. یکی از این قبرستان‌ها در روستای فال واقع شده است.

روستای فال مرکز دهستانی به همین نام در بخش گله‌دار شهرستان مهر (جنوب فارس) قرار دارد. شهرستان مهر دارای چهار بخش مرکزی، وراوی، گله‌دار و اسیر است. مراکز دو بخش اخیر در نزدیکی یکدیگر قرار گرفته و فاصله اندکی از هم دارند. پیش از شهرت و اهمیت فال، شهر کران (کاران) آبادی مشهور واقع در منطقه گله‌دار و اسیر بود و جاده کاروانی که از شیرازی‌آمد با عبور از این شهر به بندر سیراف می‌رسید. با افول سیراف، جزیره کیش جای آن را در تجارت گرفت و جاده کاروانی نیز مسیر خود را به سمت کیش تغییر داد. نام فال برای نخستین بار در کتاب معجم البلدان آمده است. نزدیکی فال به ساحل دریا از سمت جنوب و موقعیت جغرافیایی آن به عنوان گذرگاه رسیدن به هرمز و کیش مورد توجه نویسندگی این کتاب قرار گرفته است.^۱ جاده کاروانی مذکور با عبور از فال و رسیدن به نوار ساحلی خلیج فارس به سمت کیش و هرمز می‌رفت. این شاید سرآغاز اهمیت و رشد فال بود.

شخصیت‌های متعددی از فال برخاسته‌اند. برخی از آنان طی قرن هفتم هجری در شیراز دارای منصب و شهرت بودند. سراج‌الدین مکرم بن ابی‌العلا فالی، مجدالدین اسماعیل نیکروز فالی و فرزندش یحیی از جمله‌ی آنان بودند.^۲ به علاوه در دوره شاه‌عباس اول صفوی، خواجه معین‌الدین فالی از طرف الله‌وردی‌خان حاکم فارس بحرین را تصرف کرد.^۳

قبرستان تاریخی فال از مهم‌ترین آثار باقی‌مانده از گذشته در منطقه گله‌دار و اسیر می‌باشد که محوطه وسیعی را در بر گرفته است. سنگ قبرهای این قبرستان، سال‌های مختلف قرن هشتم هجری را نشان می‌دهد. نوشته‌های موجود بر سنگ قبرها گنجینه ارزشمندی از اطلاعات هستند و بازخوانی آن‌ها آگاهی‌های گرانبهایی را در اختیار پژوهش‌گران قرار می‌دهد. از آن‌جا که اطلاعات تاریخی زیادی در منابع راجع به فال و پیرامون آن در قرن هشتم هجری وجود ندارد چنین مکانی اهمیتی دوچندان می‌یابد. در این نوشتار، متون برخی از سنگ قبرهای این قبرستان، مورد بازخوانی قرار می‌گیرد.

توصیف مختصر محوطه قبرستان

نام این محوطه تاریخی، قبرستان مصلی است^۴ که وسعت آن به چندین هکتار می‌رسد و امروزه در قسمت‌هایی از محدوده آن باغ و منازل مسکونی ایجاد شده و در پی تلاش برخی از اهالی فرهنگ‌دوست

۱. حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۸۴۶.

۲. زرکوب شیرازی، شیرازنامه، صص ۱۷۳-۱۷۰ و ن.ک. جمالو و ابراهیمی، «بررسی و بازخوانی کتابچه مالیاتی جمع و خرج منطقه فال و اسیر و علامرودشت و گله‌دار (۱۳۰۵ق.)»، صص ۶۱-۵۹.

۳. ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۳، ص ۶۱۵.

۴. مصاحبه با سیدعباس واعظی، ۱۳۹۴/۲/۳.

فال، از ساخت و ساز بیشتر در آن تا اندازه‌ای جلوگیری شده است. محوطه قبرستان به‌طور طبیعی پوشیده از سنگ‌های بزرگ و کوچک است و طی سالیان گذشته نیز افرادی با نیت تصرف برخی قسمت‌های آن اقدام به ریختن سنگ‌های مناسب برای ساختمان‌سازی در این محوطه کرده‌اند.

در این مکان به جز سنگ قبرهای متعدد در اندازه‌های مختلف و در فواصل دور و نزدیک از هم، قبوری بی‌نام که تنها دارای سنگ‌چین و یا پابَلین^۱ اند نیز وجود دارد. به علاوه بقایایی از چند بنا هم در آن مشاهده می‌شود. این ابنیه شامل سازه‌های آب‌رسانی، مسجد و اتاقک‌هایی است که بر روی برخی از قبور ساخته شده است. در برخی از این ابنیه، حفاری‌هایی نیز توسط جویندگان گنج صورت گرفته است. سازه‌های آب‌رسانی قبرستان شامل دو چاه ساروجی، چردین^۲، برکه و جدول ساروجی است. جدول شاید از «تنگ فالیان» آب را به داخل قبرستان می‌آورده است. مسجد موجود در این محوطه به «مصلی» مشهور بوده و قبرستان نیز نام خود را از آن گرفته است. این مسجد از سنگ و گچ ساخته شده و دارای منبر پلکانی و ورودی طاق‌مانند بوده است. در عکسی که اورل استاین، باستان‌شناس انگلیسی در دهه ۱۳۱۰ ش. از این مسجد تهیه کرده، منبر و ورودی آن مشاهده می‌شود؛ اما اکنون همه بنا فرو ریخته و به تپه کوچکی تبدیل شده است. اکنون پیرامون همین تپه، سنگ قبرهای زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد زیادی در اطراف مسجد دفن شده‌اند.



84. RUINED MOSQUE AT FAL, GALEHDAR
تصویر ۸۴: مسجد ویرانه‌ی فال گله‌دار

قبرستان مصلی از گذشته تا حال مکان برگزاری برخی مراسم و آداب و رسوم محلی فال بوده که عمدتاً با دین و مذهب پیوند داشته است. تا چند دهه گذشته این قبرستان محل برگزاری مراسم «قتل کردن» بود. این مراسم هر ساله در عصر تاسوعا برگزار می‌شود؛ مردم فال با حرکت از «حسینیة اعظم» به قبرستان

۱. دو سنگ که پس از خاک‌سپاری متوفی، بالای سر و پایین پای وی نصب می‌کنند.

۲. حوض چهارضلعی کوچکی که بین چاه و برکه قرار داشته است. آب چاه را در چردین می‌ریختند که پس از پرشدن وارد برکه می‌شد.

مصلی می‌آمدند و پس از خواندن دعا در کنار مسجد، آئین قتل کردن را در گوشه دیگری از قبرستان برگزار می‌کردند. اکنون محل برگزاری این مراسم، قبرستان میرسعدالدین است.^۱

کوشش اهالی محل برای نزول باران در ایام خشک‌سالی مراسم دیگری بود که در این قبرستان و در گودالی معروف به «تنور خدا» برگزار می‌شد. در این مراسم طفل یتیمی را در گودال می‌کردند و او را با سنگ‌ریزه می‌زدند تا به گریه بیفتد و در اثر گریه او باران بیاید.^۲ «خواندن» یعنی برپایی مراسم عزاداری برای ائمه نیز آئین دیگری است که در این قبرستان و فقط به وسیله زنان و با حضور یک مداح مرد برگزار می‌شود. محل مشخص برگزاری این مراسم زیر سایه درخت کنار^۳ کهنسالی است که نزد اهالی فال، پیر محسوب می‌شود. این کنار پیر به سوزپوش (سبزپوش) معروف است و هنوز هم برخی از مردم فال در زیر آن شمع و فانوس روشن می‌کنند.^۴ آئین قتل کردن نیز در کنار همین کنار برگزار می‌شد. در همین نزدیکی بقایای یک بنا و یکی از دو چاه قبرستان وجود دارد.

بازخوانی و بررسی متون سنگ قبرها

تعداد سنگ قبرهای قبرستان مسجد مصلی بیش از صد عدد است که در این نوشتار تنها تعدادی از آنها بازخوانی و بررسی می‌شود. این سنگ قبرها بیشتر به شکل مکعب مستطیل است که شاید یادآور تابوت باشد. بنا بر فرهنگ سنتی این منطقه سنگ‌ها را بر اساس استحکام‌شان به نر و ماده تقسیم می‌کنند. سنگ قبرهای این محوطه از سنگ ماده است که استحکام کمتر و قابلیت شکل‌پذیری، تراش و حجاری آسان‌تر و بیشتری دارد. سنگ قبرها بنا به شکل مکعبی‌شان دارای پنج قسمت مکتوب هستند. معمولاً قسمت بالای سنگ به مشخصات متوفی و تاریخ درگذشت وی و قسمت پایین آن به نام استاد سنگ‌تراش اشاره دارد. روی سنگ قبر و سمت چپ و راست آن نیز آیات قرآنی، اشعار فارسی و ادعیه می‌باشد. پیرامون این متون نیز نقش و نگارهای متعدد مانند شمسه حجاری شده است.

همه سنگ قبرها دارای شکستگی هستند و میزان این شکستگی متفاوت است. از برخی تنها آیات قرآنی‌شان باقی‌مانده و برخی دیگر تنها مشخصات متوفی را در خود دارند. در سنگ قبرهایی که شکستگی کمتری دارند آیات قرآنی، اشعار فارسی و ادعیه نیز وجود دارد. بیشترین آیه مورد استفاده آیت الکرسی است که در همه سنگ‌ها وجود دارد. از آن‌جا که در بسیاری از سنگ قبرهای شکسته تنها آیات قرآنی قابل تشخیص است این آیات در این‌جا آورده می‌شود: آیات ۲۸۴ و ۲۸۵ سوره بقره، آیات ۲۶ و ۱۸۵ سوره آل

۱. مصاحبه با سید عباس واعظی، ۱۳۹۴/۲/۳.

۲. همان.

۳. سدر

۴. مصاحبه با سعید سالکی، ۱۳۹۴/۱/۲۸.

۵. الله ما فی السموات و ما فی الارض و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله فیغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء والله علی کل شیء قدیر * ءامن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کل ءامن بالله و ملائکته و کتبه و

عمران،^۱ آیات ۷۳ و ۷۴ سورة زُمر،^۲ آیات یکم تا نهم سورة یاسین (یس) و یکم تا چهارم سورة فتح که هر دو مورد اخیر با بسم الله الرحمن الرحیم آغاز شده است. اکنون به بازخوانی هفت سنگ قبر از این محوطه تاریخی میپردازیم.



سنگ قبر شماره ۱ (عکس از نگارنده)

نخستین سنگ قبر بر اثر آسیب به چهار قطعه تقسیم شده و قسمتی از پایه آن نیز شکسته است. روی سنگ و در قسمت وسط آن میان نقوش حجاری شده، نقش دو شمشیر نیز دیده می شود و نشان دهنده آن است که شخص متوفی نظامی بوده است. پیرامون این نقوش آیت الکرسی و در سمت چپ و راست سنگ، صلوات بر پیامبر اسلام و امامان دوازده گانه نوشته شده است.^۳ مشخصات متوفی این گونه است: «توفی

رسله لا نفرق بین احد من رسله و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر.

۱. قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر* کل نفس ذائقة الموت و انما توفون اجورکم یوم القیامه فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور.

۲. وسیق الذین اتقوا ربهم الی الجنة زمرا حتی اذا جاءوها و فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین* و قالوا الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوا من الجنة حیث نشاء فنعم اجر العاملين.

۳. اللهم صل علی محمد المصطفی و صل علی الامام علی المرتضی و صل علی الامام حسن الرضی و صل علی الامام حسین شهید بکربلا و صل علی الامام علی زین العابدین و صل علی الامام محمد الباقر و صل علی الامام جعفر الصادق و صل علی الامام موسی کاظم و صل علی الامام علی بن موسی الرضا و صل علی الامام محمد تقی و صل علی الامام علی النقی و صل علی الامام حسن العسکری و صل علی الامام محمد المهدی صلوات علیهم اجمعین.

الحضرت الشهید السعید خواجه تاج‌الدین بن شهید حمزه بن؟ مرحوم زین‌العابدین علی؟ فی‌الثاء (؟) ربیع‌الاول [شکستگی]». سال درگذشت خواجه تاج‌الدین به علت شکستگی سنگ، مشخص نیست، تنها کلمه ست (شش) از آن باقی مانده است. با توجه به اینکه قبرستان مربوط به قرن هشتم هجری است، سال وفات باید هفت‌صد و (؟) و شش هجری باشد. کلمه خواجه در نام متوفی نشان‌دهنده آن است که وی از خاندان رؤسا و خواجه‌گان فال بوده که از قرن هفتم و هشتم هجری می‌توان نام و نشانی از آن‌ها یافت.^۱ اندکی آگاهی‌های شفاهی از این خاندان نزد مردم فال باقی مانده و آنان امروزه نیز به «کفش بلقیس خواجه» از زنان مشهور این خاندان مثل می‌زنند. آثاری نیز به نام خواجه‌گان امروزه باقی مانده که از آن میان می‌توان به بنای بلقیس خواجه^۲ - که بقایای آرامگاه او در این قبرستان است - بند خواجه در فال و راه سنگ‌فرش خواجه‌ای را نام برد.^۳ علاوه بر روایات و تاریخ شفاهی نام و نشان خواجه‌گان فال را در برخی از کتب و نامه‌های تاریخی دوره صفویه می‌توان یافت. در مقدمه به خواجه معین‌الدین فالی و تصرف بحرین به دست او در زمان شاه‌عباس اول اشاره شد.

کلمه «الشهید» که در متن سنگ قبرهای متعددی از این قبرستان دیده می‌شود گویای شهادت اشخاص مدفون بوده و معنی دیگری از آن به دست نمی‌آید. کتاب مجمع‌الانساب نیز که مانند این قبرستان از قرن هشتم باقی مانده، در ذکر ملوک شبانکاره عنوان «الملک السعید الشهید» را برای مظفرالدین محمد بن مبارز شبانکاره‌ای به کار برده است. این خود نشان‌دهنده رواج این عنوان در متون آن زمان برای کشته‌گان جنگی می‌باشد. شخص نام‌برده در نبرد با لشکر مغول که به ولایت شبانکاره حمله کرده بودند کشته شد.^۴ آن دسته از منابع تاریخی که درباره گذشته فال آگاهی‌های اندکی ارائه می‌دهند به جنگ و شهادت افراد در قرن هشتم اشاره نمی‌کنند. همچنین تاریخ شفاهی فال و پیرامون آن نیز فاقد هر گونه آگاهی در این باره است.

در قسمت پایین سنگ هم آمده: «عمل استاد علی محمد بن؟ احمد کوچک الخنجی غفرالله [شکستگی]». عنوان خنجی زادگاه استاد سنگ‌تراش را بازگو می‌کند. خنج از شهرهای جنوب فارس است. با توجه به وزن بالای سنگ‌ها و سختی حمل آن می‌توان گفت که استاد خنجی، خود ساکن فال بوده است.^۵ این مطلب می‌تواند گویای مهاجرت از مناطق دیگر چون خنج به فال و سکونت در آن به منظور امرار معاش باشد؛ از این‌رو با توجه به وجود یک قبرستان با سنگ قبرهای فراوان و پر از نقش و نگار می‌توان گفت که در فال قرن هشتم سنگ‌تراشی از مشاغلی بوده که عده‌ای از مردم با آن امرار معاش می‌کردند. سنگ قبر دیگر که در میان سنگ قبرهای موجود جزء بزرگ‌ترین آن‌ها است در وسط بنایی قرار داشته

۱. واعظی، دانشمندان و نام‌آوران فال و سیراف و کران، ص ۵۵.

۲. مصاحبه با سیدعباس واعظی، ۱۳۹۴/۲/۳.

۳. واعظی، پیشین، صص ۷۸-۷۹.

۴. شبانکاره‌ای، مجمع‌الانساب، صص ۱۶۵-۱۶۰.

۵. مصاحبه با سیدعباس واعظی، ۱۳۹۴/۲/۳.



سنگ قبر شماره ۲ (عکس از سعید سالکی)

که دیوارهای آن تخریب شده و جویندگان گنج برای حفاری قبر، آن را به جای نزدیکی بیرون از بنا انتقال داده‌اند. روی سنگ قبر دو بیت از سعدی نوشته شده است:

«خوش است عمر در یگا که جاودانی نیست پس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست

درخت قد صنوبر خرام انسان را مدام رونق نوباوه جوانی نیست»

سایر متون روی سنگ که به زبان عربی است، ناخواناست. در قسمت سمت راست، آیت الکرسی نوشته شده و در سمت چپ ابتدا آیه ۵۳ از سوره زمر آمده: «قل یا عبادى الذین اسرفوا علی انفسهم لاتقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم». در ادامه آیات ۳۳ (آیه تطهیر) و ۵۶ از سوره احزاب نوشته شده است: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا * ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما». از سوره حشر نیز آیات ۲۱ تا ۲۳ در این قسمت آمده: «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشیه الله و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون * هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر...». بیشتر قسمت‌های این دو آیه شکسته و از بین رفته‌اند. در قسمت مشخصات متوفی چنین آمده است: «توفی ال [شکستگی] المغفور [ناخوانا] المغفره [شکستگی] ابن الصاحب الاعظم السعید علا المغفرت والدین محمد طیب الله مرقدهما و جعل الجنة مأویهما * فی ثامن عشر شهر رجب المرجب سنه ست و ستین و سبعمائه» (۷۶۶ق.). این سنگ «عمل استاد شمس الدین بن محمد بن احمد» است. نام این استاد روی سنگ قبر دیگری که کاملاً شکسته نیز آمده است. بی‌تردید ساختن چنین سنگ قبر بزرگ و مکتوب با آیات قرآن، ادعیه و اشعار فارسی و قرار گرفتن آن درون یک بنا، حاکی از جایگاه و شهرت اجتماعی شخص مدفون و توان مالی بازماندگان وی است.

سومین سنگ قبری که در این نوشتار متون آن بازخوانی شده مربوط به مردی جوان است که بیت



سنگ قبر شماره ۳ (عکس از نگارنده)

نوشته شده بر سنگ قبرش، گویای جوان بودن اوست:

«گلی بودم من از باغ جوانی

جوان بودم دریغ از زندگانی

پس از مرگ جوانان گل مرویاد

پس از بستان گل بلبل مخواناد»

سراینده بیت نخست نامعلوم است؛ اما بیت دوم از سعدی است. وی در مرگ سعدبن ابوبکر از سُغریان فارس ترجیع‌بندی سروده که بیت دوم از شعر بالا در آن وجود دارد؛ با این تفاوت که مصراع آخر را این‌گونه آورده است: «پس از گل در چمن بلبل مخواناد»^۱



سنگ قبر شماره ۴، عکس: نگارنده

۱. سعدی، کلیات، ص ۸۶۱.



سنگ قبر شماره ۵ (عکس از نگارنده)

استاد سنگ‌تراش که محمد [بن] ابراهیم نام داشته، در سمت چپ و راست سنگ، آیت‌الکرسی را حجاری کرده و در قسمت پایین آن به معرفی جوان درگذشته و تاریخ وفاتش پرداخته است: «[شکستگی] و مشهد المعطر السعيد المرحوم الى رحمة الله تعالى مجدالدین [ناخوانا و شکسته] فی غرة ربیع [شکستگی]». «استاد محمد احمد بن محمد کوچک خنجی غفرالله علیه» سازنده چهارمین سنگ قبر مورد توجه در این نوشتار است. پیش از این متن سنگ قبری که استاد دیگری از خانواده «کوچک خنجی» آن را تراشیده بود، بازخوانی شد. استاد سنگ‌تراش روی سنگ را با نقوش و متونی چند، به زیبایی آراسته است. در اینجا نیز نقش دو شمشیر دیده می‌شود. «انا لله و انا اليه راجعون، الله ولی التوفیق و صدق الله العظیم» متون عربی و دینی روی سنگ هستند. بیتی از سعدی نیز در این قسمت آمده است:

«ایمان ما ز غارت شیطان نگاه دار تا از عذاب و [خشم] تو جان در امان شود»^۱

شهرت سعدی و اهمیت اشعارش او را مورد توجه عوام و خواص قرار داده است. برخی از اشعار او حاوی مضامینی چون دعا، هشدار به ناپایداری دنیا و ترس از عذاب است. این مضامین متناسب با فضای قبرستان‌ها و مراسم تدفین اموات نیز بوده؛ از این رو اشعار وی از سوی استادان سنگ‌تراش مورد استفاده قرار گرفته و بخشی از متون سنگ قبرهای قبرستان تاریخی فال را به خود اختصاص داده است. در سمت راست آیت‌الکرسی و در سمت چپ نیز «عوذ بالله من الشیطان الرجیم. کل من علیها فان. و یبقی وجه ربک ذی الجلال والاکرام» نوشته شده است. درباره صاحب قبر چنین آمده است: «توفی المرحوم المغفور اسپهسالار حسین بن حاجی فی تاریخ سنه اثنین و ستین و سبعمائیه» (۷۶۲ق). نقش شمشیر و عنوان اسپهسالار (سپهسالار) گویای آن است که شخص متوفی، صاحب‌منصبی نظامی بوده است.

۱. مطلع شعر در کلیات سعدی است: «روزی که زیر خاک، تن ما نهان شود/ و آن‌ها که کرده‌ایم، یکایک عیان شود» (همان، ص ۹۸۰)

از سنگ قبر پنجم تنها قسمت مربوط به شخص درگذشته باقی مانده و سایر قسمت‌های آن شکسته و از بین رفته است. حتی این قسمت هم از آسیب‌دیدگی در امان نمانده است: «تو[فی] [شکستگی] الشهیدالمغفور اسفہسلار نورالدین بن نورالدین بن اسماعیل اسیری تحریراً [نامعلوم] فی غرہ ربیع‌الاول سنہ تسع و ستین و سبعمائہ» (۷۶۹ق.) در متن به جا مانده از این سنگ قبر نیز عنوان اسفہسلار و کلمه شهید وجود دارد که نشان از منصب نظامی شخص مدفون و شهادت وی است. یک نکته مهم در این سنگ قبر، وجود کلمه اسیری است که نشان می‌دهد متوفی اهل اسیر از آبادی‌های نزدیک به فال بوده است. شهر اسیر، امروزه مرکز بخش اسیر است. وجود این کلمه از منظر سابقه نام اسیر، بسیار مهم است. در سنگ قبر ششم، تنها نام شخص مدفون و تاریخ درگذشت او و یک جمله دعایی دیده می‌شود و بقیه قسمت‌های آن شکسته است: «هو الباقی. توفی المرحوم الشاب شیخ حسن بن علی الشیلافی نور قبره فی خامس و عشرين رجب سنہ ست و اربعین و سبعمائہ (۷۴۶ق.) اللهم اغفر و [شکستگی]». شیلافی یعنی سیرافی و سیراف، نام بندری از توابع شهرستان کنگان (استان بوشهر) است. این بندر در قرون نخستین هجری اهمیت زیادی داشت؛ اما در قرن چهارم بر اثر زلزله ویران شد و اهمیت خود را به تدریج از دست داد. وجود نسبت‌های الفالی السیرافی و سیرافی الفالی می‌تواند نشان‌گر مهاجرت برخی از مردم سیراف پس از ویرانی این شهر به فال باشد. شخصیت‌های چندی که از فال برخاسته‌اند در نام خود عنوان السیرافی نیز دارند؛ مانند: صفی‌الدین ابوالخیر الفالی السیرافی^۱ و روح‌الدین ابی‌سلم سیرافی فالی^۲. در سطرهای پیشین متن دو سنگ قبر ساخته شده به دست استادان خانواده «کوچک خنجی» بازخوانی



سنگ قبر شماره ۶ (عکس از سعید سالکی)

۱. واعظی، دانشمندان و نام‌آوران فال و سیراف و کران، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۴۴.

شد. اکنون به سنگ قبر دیگری که آن نیز کار استادی از این خانواده است، پرداخته می‌شود. وجود یک حفره در تزئینات هر سه سنگ ساخته‌شده به دست استادان این خانواده از جمله ویژگی‌های مشترک آن‌ها محسوب می‌شود. داخل و پیرامون این حفره نیز نقوشی کنده‌کاری شده است. در سنگ اخیر قسمت مربوط به نام شخص متوفی شکسته و از میان کلماتی که باقی مانده، واژهٔ سبعین؟ قابل تشخیص است. با وجود این شکستگی، ابیات نوشته شده روی سنگ که از حافظ شیرازی است، گویای جوان بودن فرد مدفون است:

«بلبلی خون دلی خورد و گلی حاصل کرد باد غیرت به صدش خار پریشان دل کرد
قرّة‌العین من آن میوه دل یادش باد که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد»

حافظ در قرن هشتم می‌زیست و در سال ۷۹۲ق. درگذشت. این قبرستان نیز متعلق به همین قرن است. وجود شعر حافظ بر این سنگ قبر جغرافیای محبوبیت و پذیرش شعر وی را در سدهٔ معاصر زندگی‌اش نشان می‌دهد و می‌توان دریافت که شعر او در زمان حیاتش نیز در خارج از زادگاهش مشهور و مقبول بود. از این‌رو سنگ قبر اخیر در کنار ارزش تاریخی خود دارای ارزش ادبی بالایی نیز است و سند گرانبهایی در تاریخ ادبیات فارسی به‌شمار می‌آید.



سنگ قبر شماره ۷ (عکس از نگارنده)

سمت راست و چپ سنگ قبر با آیت‌الکرسی مکتوب است. در پایین آن نیز چنین آمده: «الله ولی التوفیق. عمل استاد محمد بن استاد احمد کوچک (کوچک). غفرالله علیه». به جز خانوادهٔ «کوچک خنجی» که سه نفر از آن آثاری را در این قبرستان به یادگار گذاشته‌اند، سنگ قبر شکسته دیگری از «استاد محمد بن موسی الخنجی» نام می‌برد. در قرن هشتم ارتباط زیادی بین خنج و فال وجود داشت. استفادهٔ ابن بطوطه

از واژه «خنج و بال» که همان خنج و فال است از نشانه‌های ارتباط این دو مکان در سده مذکور می‌باشد.^۱ فال که دارای رونق بود مردم مناطق دیگر را نیز به سوی خود جذب می‌کرد که اساتید سنگ‌تراش خنجی نمونه‌ای از آن هستند. جاده بازرگانی که در مقدمه به آن اشاره شد از خنج به فال می‌آمد و از آن‌جا به کیش و هرمز می‌رفت. این جاده محل آمد و رفت بازرگانان، مسافران، نظامیان و... بود. شبانکاره‌ای در ذکر وقایع ایام قطب‌الدین تهمتن از ملوک هرمز، به رفتن شخصی به نام رکن‌الدین محمود از طریق خنج و فال به قیش (کیش) اشاره می‌کند.^۲ در یورش پنج ساله تیمور، عمر شیخ فرزند وی برای رفتن به هرمز «به راه کازرین (کارزین) و فال به کنار دریا روان گشت».^۳

نتیجه

بخشی از تاریخ فال سده هشتم هجری در متون سنگ قبرهای قبرستان مصلی باقی مانده است. بهره‌گیری از این متون در کنار آگاهی‌های مختصر منابع، گوشه‌هایی از تاریخ فال، منطقه گله‌دار و اسیر و جنوب فارس را روشن می‌کند. اسامی اشخاص مدفون، القاب، عناوین و مشاغل آن‌ها، نحوه درگذشت‌شان مانند شهادت، جایگاه اجتماعی افراد با توجه به اندازه سنگ‌ها و میزان هنر به کار رفته در آن‌ها، بافت جمعیتی فال، بافت مذهبی آن (شیعه و اهل سنت)، مهاجرت از مناطق دیگر به فال، ارتباط این مکان با نقاط دیگر چون سیراف و خنج، آشنایی مردم آن روزگار با اشعار سعدی و شهرت حافظ و اشعار او در زمان حیاتش از نکاتی بود که از بازخوانی این سنگ قبرها به دست آمد. با وجود آن که قرن‌هاست مردم فال دیگر اموات خود را در قبرستان مصلی دفن نمی‌کنند؛ اما این مکان اهمیت خود را به عنوان جایگاه برگزاری برخی از آداب و رسوم حفظ کرده و میراث گرانبهایی به شمار می‌رود که می‌تواند مورد توجه پژوهش‌گران قرار بگیرد.

۱. ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۳۳۸ و ج ۲، ص ۳۱۶.

۲. شبانکاره‌ای، پیشین، ص ۲۱۸.

۳. یزدی، ظفرنامه، ص ۵۷۷.

منابع

۱. ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱ و ۲، تهران، آگه، ۱۳۷۰.
۲. استاین، اورل، از گله‌دار تا بوشهر، ترجمه احسان نظری، شیراز، ایلاف، ۱۳۸۹.
۳. ترکمان، اسکندربیک، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۳، محقق و مصحح ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۴. حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، قاهره (www.al-mostafa.com).
۵. زرکوب شیرازی، ابوالعباس، شیرازنامه، تصحیح و توضیح از اکبر نحوی، شیراز، دانشنامه فارس، ۱۳۹۰.
۶. سعدی، مصلح‌بن‌عبدالله، کلیات، تصحیح محمدعلی فروغی، به کوشش کاظم عابدینی مطلق، تهران، نشر مهرداد و فراوی، ۱۳۸۶.
۷. شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد، مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۸. واعظی، سیدعباس، دانشمندان و نام‌آوران فال و سیراف و گران، آماده چاپ.
۹. یزدی، شرف‌الدین علی، ظفرنامه، به تصحیح و اهتمام محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶.

مقاله

جمالو، محمد و ابراهیمی، مصطفی، «بررسی و بازخوانی کتابچه جمع و خرج منطقه فال و اسیر و علامرودشت و گله‌دار (۱۳۰۵ ق.)»، پیام بهارستان، سال ششم، ش ۲۲، زمستان ۱۳۹۲.

مصاحبه

سعید سالکی، کارشناس تاریخ، قبرستان تاریخی فال، مصطفی ابراهیمی، ۱۳۹۴/۱/۲۸، فال.
سیدعباس واعظی، پژوهش‌گر محلی، قبرستان تاریخی فال، مصطفی ابراهیمی، ۱۳۹۴/۲/۳، گله‌دار.